

میراث به جامانده ما
تخریب طبیعت

نبوشا طیبی گیلانی

روزنامه نگار

۱ خبر تلخ انفجار - به هر علتی و تقصیری که باشد - دل همه ایرانی ها را به درد آورد. عده ای از هم وطنان ما کشته شدند، کسانی که صبح روز حادثه، مثل ما از خواب بر خاسته، لباس کار به تن کرده و از خانه بیرون زده بودند و تصور نمی کردند که شب پیکر بی جان شان تحویل پزشکی قانونی شود. خسارت مادی و تخریب قابل جبران است اما آن هم وطنان از دست رفته اند. هر انتقاد به جا و نایه جایی که به رفتار اجتماعی خودمان داشته باشیم، هر تصور درست و غلطی که برآمده از مقایسه بین خودمان و مردم دیگر مناطق جهان به دست آورده ایم به کنار، ما در مواقع سختی و ناراحتی ملی واکنشی به شدت انسانی، ایثار گرانه و مهرآمیز از خود نشان می دهیم.

۲ محیط زیست ایران، همچنان آسیب پذیر است. همین انفجار هم احتمالاً پیامدهای زیست محیطی دارد که شاید کمتر از خسارات عیان جانی و مالی اش نباشد. باید منتظر نظرات کارشناسی ماند تا منشاء آن مشخص شود. اما در طول چنددهه گذشته که ما کم و بیش مشغول کار توسعه ناهمگون و ناپایدار کشور بوده ایم، خسارت سنگینی به طبیعت ایران وارد کرده ایم که شاید بسیاری از آنها هرگز قابل جبران نباشد یا حیات یکی، دو نسل به جبران این خسارت ها کفاف ندهد. بسیاری از این خرابی ها بی شباهت به انفجاری شدید و کشنده نبوده، اما در جاهایی اتفاق افتاده که دور از چشم ما بوده یا آوار بِلایش بر سر موجودات بی زبانی ریخته که نه توان فرار داشته اند، نه راه حلی برای گریز از دردی که دامن گیرشان شده می شناخته اند. این چنین خرابی هایی هنوز هم ادامه دارد و مگر با راه انداختن سروصدا، درخواست و بلکه التماس به قدرتمندان بتوان جلوی بعضی از آنها را گرفت. مثل همین قتیبه «پتروشیمی میکاناله». از این پروژه ها در سراسر کشور فراوان داشته ایم. طرح هایی که با حمایت های مقامات محلی و نمایندگان مجلس، براساس منفعت های بسیار کوتاه مدت و در بسیاری از موارد با نگاهی به صندوق رأی دور بعد ریاض شده اند. بسیاری از این طرح های صنعتی نه تنها آینده محیط زیست اطراف خود بوده اند بلکه به دلیل جانمایی غلط و بی توجهی به ضوابط و استانداردهای لازم، مخازن آب زیر زمین محل را خالی کرده و دست آخر هم کسب و کار خودشان نابود شده، هم سفره های آب غیرقابل جایگزین، دربارۀ ضایعۀ فرونشست و ارتباط آن با چاه های عمیق و مکیدن سفره های آب زیرزمینی حتماً خوانده اید و می دانید. همین کارخانه ها و شهرک های صنعتی که منابع طبیعی اطرافشان را خالی یا آلوده می کنند، خسارت عمده و پنهان دیگری را هم به کِیان طبیعت ایران تحمیل می کنند. آنها آرام و آهسته در طول چنددهه گذشته، نقشی مهم در انقراض و کاستن از گونه های مختلف گیاهی و جانوری ایران داشته اند. برهوت و بیابان شدن دشت های وسیع ایران که زمانی چراگاه و شکارگاه گونه های بسیار متنوعی بوده، بی تأثیر از این سبک توسعه بدون آینده نگری نیست. سودای کشاورزی کردن و تولید همه محصولات در خاکی که استعداد آبیاری و قوَّت لازم ندارد، به خشکاندن منابع و آلودن خاک به کودهای شیمیایی منجر شده است. دشت ها به زیر کشت برده شدند، موانعی جدی بر سر راه حیات جانوری و گیاهی برپا شد و در نهایت خسارتی مصیبت بار به جا خواهد ماند.

۳ مجموعه مستند «سحر حیات»، ساخته سیدمانی میرصادقی که از شبکه مستند در حال پخش است، موشکافانه و با جزئیات بخشی از این مشکلات و گرفتاری ها را نمایانده است و گزارشی از ۲۵ سال گذشته طبیعت ایران به دست داده که جای تأمل فراوان دارد. اینکه چگونه از این گرفتاری ها رها شویم و به توسعه و کشاورزی پایدار و سازگار با محیط زیست ایران برسیم، البته مقوله ای است که پاسخ کارشناسان و مدیران اجرایی را می طلبد، بی اعتنایی به وضعیت محیط زیست ایران و بازگذاشتن دست آنهایی که پرداختن به طبیعت را امری زاید و مزاحم توسعه و رشد اقتصادی می دانند، ما را با وضعیتی وخیم مواجه کرده است. اگر چه در حوزه ارتقای فرهنگ رفتار با حیوانات و رعایت بعضی از اصول، گام مهمی برداشته شده است ولی ما هنوز نتوانسته ایم بر مشکل زیالهریزی در طبیعت ایران فاتح بباییم. ما نتوانسته ایم ملت خود را قانع کنیم که ریختن پلاستیک و دیگر مواد غیر قابل جذب در طبیعت در نهایت سبب خسران جمعی و گرفتاری عمومی خواهد شد. امکان ندارد که تصویری از دشت ها، کوه ها و مناظر اطراف جاده های ایران بگیرد و در این تصویر چشم انداز وسیعی از کیسه های زیالهای که میان خاراها و بوته ها گیر کرده اند، دیده نشود. ما به شدت نیازمند برپایی پوششی ملی در این موضوع هستیم.

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تس‌هیل گری: ایران

تس‌هیل گری به جای سنگ اندازی

انتظارات جامعه موسیقی از مدیر جدید دفتر موسیقی



عطا نویدی

پژوهشگر موسیقی ایرانی

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ، یکی از آخرین جاهایی است که پس از روی کار آمدن دولت جدید تکلیف اش مشخص و بالاخره مدیرکل آن منصوب شد. همین چندروز پیش بود که دوره‌ی حدود پنج ماهه سرپرستی دکتر احمد صدیقی تمدید نشد و حکم بابک رضایی به‌عنوان مدیرکل دفتر موسیقی از سوی وزیر صادر شد. بابک رضایی که چندسال در دو دولت احمدی نژاد مدیرعامل انجمن موسیقی بود و پس از اتمام کارش هیچ خبری از او در دنیای موسیقی نبود تا این که سال ۱۴۰۰ به‌عنوان گزینه‌ی نهایی از سوی منتقدان خانه موسیقی به‌عنوان کاندیدای مدیرعاملی این نهاد معرفی شد، اما همان‌طور که انتظار می‌رفت این خانه به گزینه‌ی منتقدانش رأی نداد. اما حضور دوباره او در وزارت فرهنگ و ارشاد و این بار در کسوت مدیرکل دفتر موسیقی در یک دولت اصلاح طلب، توجه اهالی موسیقی را به خود جلب کرد. آیا قرار است نگاه وزارت فرهنگ به موسیقی واپس گرایانه باشد یا این که این وزارتخانه می‌خواهد از تجربه‌ی مدیرکل جدید در راستای اجرایی شدن بیشتر این دفتر و بیرون آمدن از یک حالت تشریفاتی و دستگاه امضاء و مجوز استفاده کند؟ این انتصاب تنها می‌تواند با هدف بهبود و تغییر وضعیت جدی دفتر موسیقی صورت گرفته باشد در غیر این صورت، عدم تمدید مسئولیت چهره‌ی موجه سرپرست سابق دفتر موسیقی هیچ توجیه دیگری ندارد. دفتر موسیقی در سال‌های اخیر تبدیل به یک سیستم صدور مجوز شده بود، کمالین که هیچ حمایتی از سوی این دفتر در تولید صد‌ها یا هزاران آلبوم تولیدی در سال‌های گذشته صورت نگرفته بود و نمی‌گیرد؛ این نهاد که می‌تواند بسیار اجرایی و تأثیرگذار باشد، تبدیل به دستگاه امضاء شده است.

▼ مجوز کنسرت و آلبوم یک چرخه‌ی فرسایشی

انتظارات اهالی موسیقی شاید در وهله‌ی اول از دفتر موسیقی از بین بردن چرخه‌ی فرسایشی صدور مجوز آلبوم و کنسرت باشد، چرخه‌ای که طی سال‌ها پیچیده‌تر شده و حتی با راه‌اندازی سامانه‌ی مربوطه، به این پیچیدگی افزوده شد. با توجه به تسهیل انتشار آثار موسیقی با چند کلیک در پلتفرم‌های خارجی و حتی پلتفرم‌های داخلی، شاید لازم باشد تجدیدنظری اساسی در صدور مجوز آلبوم از طریق دفتر موسیقی صورت گیرد و شیوه‌های نیم‌خا و بوروکراسی پیچیده‌ی اداری از این فرآیند که می‌تواند با چابکی صورت بگیرد، حذف شود. از سوی دیگر، کنسرت‌ها نیز از موسیقی‌های پر مخاطب گرفته تا موسیقی‌های جدی و دارای مخاطب خاص، همواره با مشکلات عدیدهِی روند اخذ مجوز روبه‌رو بوده‌اند. استعلام‌های هرباره برای افرادی که بارها روی صحنه رفته‌اند، قوانین دست‌وپاگیر اعم از شیوه‌ی برگزاری چندشب کنسرت و لزوم اخذ مجوز دوباره برای کنسرت‌های بیشتر از دو شب، دشواری جایگزین کردن اعضای گروه‌ها و ارکستر و نیاز به استعلام و اخذ مجوز دوباره، تنها گوشه‌ای از روند بی‌منطقی است که برطرف شدن آن می‌تواند به تسریع امور برگزاری کنسرت‌ها به‌عنوان نیروی محرک موسیقی، کمک کند.

▼ حمایت از ارکسترهای خصوصی، یک وظیفه ذاتی

ارکسترهای خصوصی که همواره در حوزه موسیقی جدی برآمده از محیط آکادمیک متولد شده‌اند، در سال‌های اخیر و شاید بگوییم در هیچ برهه‌ای حمایتی از سوی دولت نداشته‌اند. برخی ارکسترها از درون فعالیت‌های آموزشگاهی، تشکیل و متولد می‌شوند که به‌دلیل دارا بودن یک چرخه‌ی اقتصادی، حیات تضمین شده‌تری دارند. اما ارکسترهایی که تنها با هدف برگزاری کنسرت و اجرای رپرتواریایی مشخص و برنامه‌ریزی شده تشکیل شده‌اند، نه تنها با برگزاری کنسرت - با حداکثر تعداد مخاطب - توجیه مالی ندارند بلکه شیوه‌هایی مانند اخذ حق عضویت از اعضا - نیز نمی‌توانند هزینه‌های گزاف آن‌ها را پوشش دهد. از این رو نیاز است دفتر موسیقی به‌عنوان متولی اصلی موسیقی در کشور قدمی جدی برای ارکسترهای خصوصی بردارد؛ از جمله تخفیف‌های قابل توجه برای اجاره‌ی محل کنسرت، تأمین محل تمرین رایگان برای آن‌ها و تسهیل صدور مجوز و کمک به تبلیغ‌شان، می‌تواند اقدامات اثربخشی برای رفع مشکلات عدیدهِی این ارکسترها باشد تا خیل عظیم هنرمندان جوان مشغول به کار در این ارکسترها از فعالیت دلسرد نشوند.

▼ سامان دادن به وضعیت اجرای قانون کی‌رایت

حوزه نشر موسیقی نیز یکی از حوزه‌هایی است که باید مورد توجه جدی‌تر قرار گیرد. این حوزه در ۱۰ سال گذشته با تحول شگرفی همراه بود، حذف نشر فیزیکی آثار و ظهور نشر دیجیتال در همه دنیا با ساز و کار سفت و سخت کی‌رایت امری خوشایند بوده است. اما در ایران با توجه به عدم رعایت کی‌رایت، نشر دیجیتال معضلی پر مشکلات عدیدهِی نشر افزوده است. انتشار بدون ضابطه‌ی آثار تولیدشده‌ی موسیقی در سایت‌هایی که در ظاهر غیرقانونی هستند، اما حتی اعمال فیلتر هم نمی‌شوند، در سال‌های اخیر ضربه مهلکی به پیکر نشر آثار موسیقی وارد کرده است. صداوسیما که خود باید حامی هنرمندان موسیقی باشد، بخش اعظمی از تولیدات موسیقی را از شبکه‌های مختلف خود پخش می‌کند که تبدیل به بزرگ‌ترین ناقض حقوق هنرمندان موسیقی شده و به‌جز چند مورد که با پیگیری شخصی هنرمندان صاحب‌نام همراه بود هیچ حق و حقوقی به صاحبان اثر (ناشر یا هنرمند) پرداخت نمی‌کند.

عدم رعایت قانون حمایت از مؤلف و مصنف در حوزه‌ی موسیقی سبب شده در سال‌های اخیر بسیاری از هنرمندان آثار خود را با رایزنی‌های شخصی به پلتفرم‌های خارجی بفرستند تا هم از گزند کی‌ی غیرمجاز خلاص شوند، هم این که درآمد هر چند اندک غیررئالی نصیب‌شان شود. گوئی موسیقی نیز در سایه بسیاری از بی‌تدبیری‌ها قرار است از چرخه‌ی اقتصاد رئالی داخل کشور، خارج شود. یکی از راهکارهای جلوگیری از این امر، تقویت پلتفرم‌های داخلی و جلوگیری سریع و قاطع از فعالیت سایت‌های پخش و دانلود غیرقانونی موسیقی است تا هم هنرمندان به انتشار اثر در داخل ایران دلگرم شوند، هم عرصه‌ی نشر جان تازه‌ای بگیرد.

▼ حذف نگاه حراستی و امنیتی به هنرمندان موسیقی

شاید یکی از مهم‌ترین خواسته‌های اهالی موسیقی، برداشتن نگاه امنیتی و حراستی از هنرمندان است. در سال‌های اخیر شاهد بودیم که هم‌زمان با تحولات اجتماعی، اظهار نظر شخصی هنرمندان که جنبه‌های احساسی و شخصی داشت، زیر ذره‌بین نهادهای حراستی قرار گرفت و موجب ممنوعیت فعالیت مقطعی برای برخی هنرمندان شد. گاهی هم انتشار عکس یا فیلم از برنامه‌ها و کنسرت‌های خارجی، این موجبات را فراهم کرد. هنرمندان باید آزادی عمل در تفکر، گفتار، اظهار نظر و ارائه آثار داشته باشند و دفتر موسیقی و نهادهای نظارتی باید به این موضوع توجه کنند که اخذ مجوز برگزاری کنسرت یا آلبوم از سوی یک هنرمند تنها برای آن اجراست و نباید برای این مجوزها تمام شئون زندگی شخصی و کاری یک هنرمند مورد بررسی قرار گیرد.

برای نمونه چندی پیش وحید تاج، خواننده خوشنام موسیقی ایرانی به‌دلیل یک اجرا در خارج کشور، از اجرای کنسرت منع شد و امید است تلاش‌های نهادهای متولی موسیقی برای رفع این ممنوعیت، کارگر بیفتد و امید بیشتر به این که مدیرکل جدید دفتر موسیقی اقدامات جدی در راستای شروع فعالیت هنرمندان دارای محدودیت کند و به‌طور کلی کمالاتی مانند ممنوع فعالیت و ممنوع الکار از قاموس دفتر موسیقی حذف شود.

▼ حمایت و هدایت جشنواره‌های خصوصی

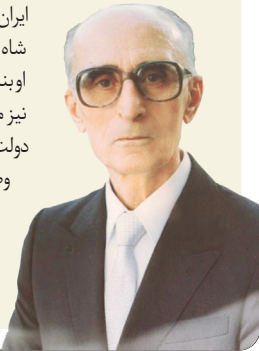
همان‌طور که شاهدیم در سال‌های اخیر جشنواره‌های متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله آهنگسازی، موسیقی نواحی، استعدادیابی (قابتی نوجوانان و کودکان) و... در کشور توسط بخش خصوصی یا نیمه‌دولتی شکل گرفته است. این جشنواره‌ها همان قدر که می‌توانند تأثیرات مفید در جهت رشد و اعتلای موسیقی داشته باشند، به همان اندازه اگر از کادر فنی و متخصصان موسیقی بر خوردار نباشند، می‌توانند آسیب‌زننده باشند. به‌خصوص در بخش جشنواره‌های استعدادیابی یا رقابتی کودک و نوجوان که یک اشتباه کوچک در داوری یا بازبینی آثار، ممکن است آینده‌ی هنری فردی با استعداد را خدشه‌دار کند. دفتر موسیقی در این بخش باید با نگاه کارشناسانه - نه محدودکننده - به این جشنواره‌ها بنگرد، در جهت حمایت و ساماندهی محتوایی وارد شود و البته کمک‌هایی در جهت بهتر برگزار شدن آن‌ها داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد به‌دلیل انتظارات فراوان اهالی موسیقی، دوران سختی برای مدیرکل جدید دفتر موسیقی آغاز شده است. باید منتظر ماند و دید او تا چه اندازه مصمم است تا نگرش خود را از تیم مشاوران محدودش گسترش دهد، درصدد رفع مشکلات هنر موسیقی قدم بردارد و تا چه اندازه دفتر موسیقی در این دوران متحول می‌شود.

چهره

مبدع علم جامعه‌شناسی ایران

امروز، سی و چهارمین سالروز درگذشت غلامحسین صدیقی است؛ چهره‌های برجسته تاریخ معاصر کشور در سیاست، آموزش و جامعه‌شناسی، صدیقی متولد تهران اما درس خوانده فرانسه بود. نامش بیش از همه با رشته جامعه‌شناسی پیوند خورده است. مهم‌ترین خدمت صدیقی، تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ بود؛ موسسه‌ای که بعدها به دانشکده علوم اجتماعی تهران تبدیل شد، صدیقی در عالم سیاست نیز فعالیت‌های زیادی داشت. او در دولت محمد مصدق، وزیر پست، تلگراف و تلفن بود، سپس به وزارت کشور و نایب نخست‌وزیری هم رسید. صدیقی در برگزاری نخستین فراندوم تاریخ ایران، نقشی مهم داشت. در آستانه انقلاب، شاه به صدیقی پیشنهاد نخست‌وزیری داد که او بنا به دلایلی نپذیرفت. پس از پیروزی انقلاب نیز مهدی بازرگان از صدیقی برای شرکت در دولت موقت دعوت کرد. صدیقی چهره‌ای وطن‌دوست و آزاده بود که استقلال‌رأی داشت و صداقت در گفتار، ویژگی برجسته‌اش بود. او نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰ در تهران درگذشت.



کتابخانه

زندگی اسرارآمیز او پرون

«سانتا اویتا» نوشته توماس الوی مارتینث، با ترجمه رامین ناصر نصیر در ۴۴۸ صفحه با قیمت ۵۹۰ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شد. «سانتا اویتا» زمانی تاریخی-تخیلی است که نویسنده در آن به زندگی اسرارآمیز او پرون، بانوی اول سابق آرژانتین و سرنوشت عجیب جسد مومیایی شده او پس از مرگ می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۹۹۵ منتشر و به یکی از مشهورترین آثار ادبیات آمریکای لاتین تبدیل شد. «سانتا اویتا» حول محور افسانه او پرون (اویتا)، نماد محبوبیت و قدرت در آرژانتین می‌چرخد و داستان واقعی جسد او را پس از مرگ در سال ۱۹۵۲ دنبال می‌کند. جسد اویتا به دستور رژیم‌های مختلف سیاسی دستخوش سفرهای پر ماجرا می‌شود؛ از مومیایی شدن تا پنهان‌سازی در نقاط مختلف جهان و از ایتالیا تا اسپانیا. نویسنده این اثر با ترکیب واقعیت تاریخی و تخیل ادبی، داستانی جذاب از اسطوره‌سازی، قدرت و فراموشی را خلق می‌کند. در این کتاب به نقش اویتا در تحکیم قدرت خوان پرون و تأثیر او بر سیاست آرژانتین پرداخته می‌شود و جسد اویتا به‌عنوان نمادی از قدرت و فروپاشی آن، در مرکز این تقابل قرار می‌گیرد.



سانتا اویتا

نویسنده:

توماس الوی مارتینث

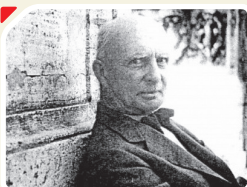
مترجم:

رامین ناصر نصیر

انتشارات: چشمه

تاریخ

صدور مجوز حضور آندره گدار در ایران



در ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۷، مجلس شورای ملی ششم کشور، «قانون اجازه استخدام یک نفر متخصص فرانسوی برای مدیریت موزه و کتابخانه و عتیقات» را در شش ماده به تصویب رساند.

قانونی که زمینه حضور و استخدام آندره گدار، باستان‌شناس و معمار فرانسوی را به ایران فراهم کرد. گدار، متولد ۱۸۸۱ در پاریس، تحصیلاتش را در دانشکده هنرهای زیبای پاریس به پایان برد و پس از دعوت دولت ایران، برای ساماندهی اداره کل باستان‌شناسی به تهران آمد. او با تأسیس موزه ایران باستان، به ریاست این موزه منصوب شد. از مهم‌ترین یادگارهای گدار می‌توان به طراحی آرامگاه حافظ و فردوسی، نقشه عمومی دانشگاه تهران، موزه ایران باستان، ساختمان کتابخانه ملی و... اشاره کرد. او نخستین رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز بود. حضور گدار در ایران در ۲۱ اسفندماه ۱۳۱۷، با نام «قانون تجدید استخدام آقای آندره گدار» تمدید شد. گدار در مجموع ۳۲ سال در ایران اقامت داشت و آثار فرهنگی ماندگاری را برای کشور به یادگار گذاشت.